

آریائی

www.ariaye.com

what ariaye site is about

NEWS

REVIEWS

EVENTS

FEATURES



سیدموسی عثمان هستی

جاسوسان زیربشرمیداز طفلکی که خشت در بغل دارد

این خیل جاسوس وطن فروش است

گاه خر و گاه اینها همه خرگوش است

مردم همه بیچاره و خانه بدوش است

چشمان کلخی و همه بی گوش است

شاعری وزن و بی ترازو



A.H Arain Blog
http://www.aharainblog.com
www.facebook.com/aharainblog

Ahmad Shah Massoud and
Ruhollah
Wardag meet the ISI

A.H Arain Blog



دوستانی که رو بر، درتلفون و یا با ارسال ایمیل شوخی و یا حرفهای جدی دارند می میگویند و نوشته اند که در این روزها دم کون دو کاندید پیشتاز و پستاز را برداشتی، ریگ گندم سیاست شان را می چینی که دندان هائیکه از طرف استعمارگران ، استثمارگران و خائنین برای شان ساخته شده سبب شکستن نشود. دوستانی که گفته اند من ریگ گندم دو کاندید پیشتاز و پستاز را با قلم چیده ام، به عادت های قلم من و خصلت موضع گیری این قلم چه در داخل افغانستان بودم و چه در خارج از افغانستان به خوانندگان نوشته های من روشن بوده، باز هم در دل شان چیزی نگردد، با انگشت شهادت قلم و کاغذ اشاره می کنم.

دوستان و دشمنان وطن ما و خصوصاً خوانندگان این قلم می دانند که عقب نشینی در برابر خائن مغز و قلم من حساسیت خاص خود را دارد و تبلیغ خاینان و پیروان خاینان در قسمت من هم کم نبوده، حتی کسانی که می دانند من پیر شده ام انتظار مرگ مرا می کشند، دم شان گرم و ریگ چیدن گندم خائنین یک طنز است. سخنان من هم همیشه یک واقعیت در لباس طنز و شوخی تا حق به حقدار برسد.

دوست دیگری نوشته که تو اولین مجاهد در پنجشیر بودی و هم از جمله مهاجرین چند روز محدود در پاکستان با مجاهدین در زمان حکومت حزب دموکراتیک خلق وهم در شفاخانه لاهور بعد از زخمی شدن در پنجشیر در روز دستگیری زنده یاد پهلون احمدجان قهرمان ملی واقعی افغانستان و باز به کمک استاد خلیلی که اقارب تو بود از چنگال آی اس آی نجات یافتی و نه تنها در پاکستان با چپ و راست بودی به خصلت های دستگاه جاسوسی آی اس آی و مزدوری رهبران و قلم به دستان افغانستان که سالها می شود در خدمت دستگاه جاسوسی آی اس آی قرار دارند، خصوصاً کارمندانی که در سفارت و قنصلگری افغانی در پاکستان اجرای وظیفه نموده توانمندی قلم داشتند یا نداشتند، از آنها آی اس آی استفاده کرده و هم آقای آصف خاوری که یکی از ولسوال های شمالی ولایت کابل بود و پسرکاکای سرمد زنده یاد بود و در زمان داوود به پاکستان فرار کرد، زن پاکستانی او کارمند آی اس آی بود و خودش هم سر آن آخور بسته شده بود، یکی از وطنداران چاریکاری شما در زمان حکومت تره کی تا زمان حکومت ببرک در سفارت افغانستان در پاکستان کارمند استخباراتی بود و کارمندان سفارت افغانی در پاکستان زمانی که تعیین می شدند از زمان شاه تا آخر حکومت حزب دموکراتیک خلق به دستگاه جاسوسی هند معرفی می

گردیدند و دستگاه جاسوسی افغانستان تا آمدن مجاهدین و طالب بین هند و افغانستان تبادلۀ اطلاعات وجود داشت، وپندار چهاریکاری شما که متهم به قتل میوندوال بود و تا صنف نهم لیسه شبانه خوانده و بعد از قتل میوندوال به اساس خدمات اش به دولت داوود، بنیان گذار اصلی حزب دموکراتیک خلق به خاطرئیکه جاسوس دو طرفه بود سفارت را ترک گفته به هند رفت. کسی می گوید که او را دولت هند به کانادا فرستاد و کسی می گوید که توسط سامایی های مقیم هند که خریط های هرونین عبدالرحمن مشهور به پسر داکتر از جمله رفقای نزدیک احمد ظاهر بود و بعد از مرگ احمدظاهر به هند و پاکستان فرار کرد و فعلاً در سانفرانسسکو امریکا موتر فروشی می کند، اول به کانادا آمد بعد به امریکا رفت.

عبدالرحمن که خریطه های هرونین خود را در خانه سید ابراهیم پاچا که فعلاً در کانادا زندگی می کند هرونین توسط سید ابراهیم کتابدار ساما نگهداری می شد، این آقای کارمند فراری سفارت افغانستان در پاکستان با سامایی ها هرونین ها را به سرقت رساندند و با سامایی ها یکجا از هند به کانادا آمدند و حالا هنوزهم در ظاهر به مخالفت ای اس آی قلم شور می دهد و با مخالفت ظاهری مخالفین دولت پاکستان را با نوشته های خود شناسایی می کند و آب در آسیاب دشمن می ریزد (آی اس آی) و میگویند کتابکی هم به ضد پاکستان نوشته است که توسط آقای موسوی گرداننده سایت (افغانستان آزاد- آزاد افغانستان) ویراستاری شده و دوباره به نشر رسیده است.

دوست عزیز معلوم است که تو از من کرده زیادت در قسمت جاسوسان حرفوی معلومات داری، جاسوس به هر دستور، به هر شکل و با هر نوع برخورد، کار جاسوسی خود را می کند، این خصلت شرف باخته ها است.

من نمی خواهم حرفها را طولانی بسازم، تنها یک قصه را با یک و یا دو عکس اگر در آرشیف انترنت و کمپیوتر من باشد به خاطر ثبوت حرفهای شما آن عکسها را به نشر می رسانم. مشت نمونه خروار است.

اگر این بی وجدانان از خدا نمی ترسند، رحم به همین طفلی کنند که خشت در بغل دارد و ساعت ده افغانی مزد می گیرد.



ای جان پدر همت تو بالا ترا ز همت مسعود و گلو

تو از همت بلند خود خوشبو مسعود و گلو بود بدبو

جان تو بگرد و خاک آلوده خاین شسته بشانپو

از روی تو نور بار دواز قبر مسعود، از رخ گلو گو

شاعری وزن و بی ترازو

نوت : کلویعی گلب الدین خاین مزدوروطن فروش که هردوکابل درجنگ های تنظیمی با دیگرمجاهدین وطن فروش ویران کردندامروز طفل های افغانستان به خاطرآبادی دوباره وطن خودخشت دریغل دارند